

نبرهای قرآنی (۲)

ویژه ماه مبارک رمضان

ارویشت ۹۹

معاونت فرهنگی - تبلیغی

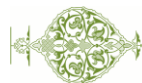
مرکز مدیریت حوزه های علمیة خاوران





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





شب دوم

مسأله شرعی :

یکی از مسائل مهمی که بارها مردها و زن درگیرش هستند، مسأله مراجعه به پزشک است. در احکام پزشکی آمده است که اگر برای مداوای زن لازم باشد پزشک جاهایی غیر از صورت و دست‌های او را نگاه کند یا به صورت و بدنش دست بزند، فقط در موارد زیر می‌توانند به پزشک مرد مراجعه نمایند:

۱. پزشک زن در دسترس نباشد؛
 ۲. پیدا کردن پزشک زن مشقت داشته باشد؛
 ۳. مهارت پزشک مرد به طور قابل توجهی بیشتر باشد.^۱
- برخی از بانوان به مهارت پزشکان زن برای معالجه خود اعتماد ندارند؛ از این رو بدون تحقیق از وجود پزشک معالج ماهر، به پزشک غیر هم‌جنس مراجعه می‌کنند و این کار آنان جایز نیست.^۲
- دوری راه اضطرار محسوب نمی‌شود.^۳

مقدمه: واکنش انسان به سختی‌ها

اهمیت یک موضوع زمانی روشن می‌شود که ببینیم چه مدت زمانی انسان را با خود درگیر می‌کند. مثلاً اگر بشر با موضوع مانند کرونا دست و پنجه نرم می‌کند، اما خیالش راحت است که این بیماری مدت کوتاهی مزاحم آسایش و آرامش اوست. اما اگر کسی یک دست نداشته باشد، بیشتر روحیه خود را می‌بازد، چرا که باید تمام عمر با یک دست زندگی کند. از خیلی لذت‌ها محروم شود و دور خیلی چیزها را خط بکشد. یاد می‌آید چند سال پیش یکی از جوانان محل، که متأسفانه در صراط شرارت بود! تصادف کرد. وقتی روی تخت بیمارستان چشمانش را باز کرد، چنان ته دلش خالی شد که از غصه دق کرد و مرد! او در اثر تصادف فقط یک پایش را از دست داده بود، اما عطای زندگی یک پا را به لقاش بخشید و اینقدر عز و جز کرد که جان داد. پس تصور اینکه یک انسان سالها باید با یک مشکل بسازد، مثل خوره می‌تواند رگ حیات جسمی یا روحی انسان را ببرد. حتی اگر آن شخص زورگیر و قلدر و چاقوکش باشد و ادعای شجاعتش گوش فلک را کر کند.

در مقابل، بعضی انسان‌ها هم هستند که نه تنها با چنین مشکلاتی می‌سازند، بلکه به استقبال چنین مشکلاتی می‌روند. چه زیبا گفت جناب مولوی که «مرگ اگر مرد است گو نزد من آ، تا در آغوشش بگیرم تنگ، تنگ». بعضی آدم‌ها حتی از

۱. احکام پوشش بانوان، ص ۱۸۸.

۲. احکام پوشش بانوان، ص ۱۹۰.

۳. احکام پوشش بانوان، ص ۲۰۱.



مرگ هم نمی‌ترسند. حتی از دادن دست و پا و چشم و سر نمی‌ترسند. شهید حجبی ره می‌دانست که داعش سرش را می‌برد، اما داغ یک لحظه ترس را به دل داعش گذاشت! شهید سلیمانی ره، سال‌ها تحت تعقیب بود، اما یک لحظه عقب‌نشینی نکرد. وقتی دیدند که حریفش نمی‌شوند، بزدلانه و ناغافل ترورش کردند. چند سال پیش تلویزیون خودمان گزارشی نشان داد از یک خانمی که با یک جانباز زندگی می‌کرد؛ نه اینکه با هم ازدواج کنند و بعد آقا جانباز شود! بلکه آن خانم با اینکه می‌دانست آن جانباز زمینگیر است و نمی‌تواند حرکت کند، او را برای همسری برگزید! و همه کارهای آن مرد را انجام می‌داد. زن و مرد خودساخته، همدیگر را تحمل می‌کنند، نه اینکه با خاطر ترشی یا تلخی قرمه‌سبزی از هم طلاق بگیرند. بله! بگذریم! پس ما دو نوع انسان داریم: بعضی‌ها در برابر واقعیت دنیا کم می‌آورند، بعضی‌ها با قوت ادامه می‌دهند. درباره مسائل معنوی هم همینطور است.

فطری بودن تعالیم دین

این مثال‌ها را مقدمه قرار دادم تا به یک موضوع بسیار مهم اشاره کنم. خداوند متعال در قرآن کریم به مطلب خیلی مهمی اشاره کرده که ما کمتر به آن توجه داریم. غالباً انسان‌ها و حتی مؤمنانی که از این موضوع خبر دارند، در بسیاری مواقع به آن غفلت می‌ورزند. این مطلب که بسیار بسیار مهم است در آیه ۳۰ سوره روم آمده است:

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»

پس [با توجه به بی‌پایه بودن شرک] حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور ، [و پابرجا و ثابت بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین استوار ؛ ولی بیشتر مردم معرفت [به این حقیقت اصیل] ندارند.

حال سؤال این است که آیا زندگی بر اساس آنچه مطابق فطرت است آسان است یا سخت؟ آسانی و نرمش در ذات هر دین آسمانی قرار دارد؛ چرا که به تعبیر قرآن کریم، دین الهی، یک امر فطری است؛ یعنی گوهری است که آفرینش انسان‌ها آن‌را می‌طلبد: «با یکتاپرستی روی به دین آور، این آفرینشی است که خدا مردم را به آن شیوه آفرید، تغییری در آفرینش خدا نیست، این است آیین استوار اما بیشتر مردم نمی‌دانند».

خیلی مهم است که انسان بداند احکام و برنامه‌های الهی، یعنی همان دین، موافق فطرت انسان است. خداوندی که بشر



را ساخته و دستورالعملی به او داده که موافق خلقتش باشد. موافق توانایی‌هایش باشد، خارج از تحمل نباشد. خداوند هیچگونه تکلیفی را که بما لایطاق باشد بر انسان تحمیل نکرده است. یک مثال ماه رمضان بزنم. اگر کسی مریض باشد، حتی اگر پزشک به او بگوید که می‌توانی روزه بگیری، اما او از راه دیگری یقین پیدا کند -توجه کنید! باید یقین پیدا کند- که روزه برایش ضرر دارد، حق ندارد، روزه بگیرد و اگر بگیرد نه تنها کار حرام مرتکب شده، بلکه اگر سلامتی پیدا کند باید روزه همان روز را قضا نماید. به عبارت دیگر خدا می‌گوید من به تو گفتم توانش را نداری، اما تو وسواس به خرج دادی، شاید لجاجت کردی یا خواستی بگویی من بیشتر می‌فهمم و روزه مریض درست است! اینجا من این عمل را نمی‌پذیرم چرا که قرار است به اندازه توانت کار کنی و من عمل نامعقول و غیرفطری را از تو نمی‌پذیرم. عملت در آفساید است! خارج از محدوده است، توی باغ نیست!

پس در شرع مقدس خداوند ما را به عملی دعوت کرده است که ریشه در اعماق فطرت ما دارد. غیر از این هرچه باشد، خداوند با آن مخالف است. ممکن نیست چیزی در اعماق وجود انسان باشد و شرع، با آن مخالفت کند.^۴ راز منطقی بودن دین اسلام، همین فطری بودن آن است. اسلام دینی ساده است که وجدان‌های پاک و بیدار در برابر تعالیم و دستوراتش سرکشی نمی‌کنند و ندایش را اجابت می‌کنند. به همین دلیل از یک سو هم به انسان دستور داده که تلاش کند تا دچار تبلی نشود، چنان که روایت شده یکی از اصحاب پیامبر(ص) به نام عثمان بن مظعون روزها به روزه و شب‌ها به عبادت می‌پرداخت و به زندگی خود توجه نمی‌کرد و این امر، شکایت همسر او را در پی داشت. حضرت خطاب به عثمان فرمود: «ای عثمان! خداوند متعال، مرا به رهبانیت (گوشه‌گیری از مردم و ترک دنیا) نفرستاده است؛ بلکه مرا به شریعت و دینی که مستقیم و آسان است، مبعوث کرده است»^۵. از سوی دیگر خدا از انسان می‌خواهد خود را همه‌کاره عالم نداند تا باد نکند و خود را بی‌نیاز از خدا نداند، چرا که بر اساس آیه «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»^۶، خاصیت روانی انسان مغرور طغیان است.

آسان بودن دین فطری

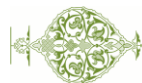
خداوند حکیم قرآن کریم را بر اساس ویژگی‌های فطری نازل کرده است و آسانی را ویژگی ممتاز شریعت اسلامی معرفی

۴. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۴۱۸، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۵، ص ۴۹۴، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ

چهارم، ۱۴۰۷ق.

۶. مسلماً انسان سرکشی می‌کند؛ برای اینکه خود را بی‌نیاز می‌داند (علق، آیه ۶ و ۷).



می‌فرماید: زیرا مبادی و اصول آن این چنین است:

«يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خدایا، آسانی شما را می‌خواهد، و دشواری شما را نمی‌خواهد»؛

«وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ و در دین (اسلام) برای شما هیچ مشقت و سختی طاقت‌فرسایی قرار نداده

است»؛

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا؛ خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند».

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ

غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ جز این نیست که (خداوند) بر شما، مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که (وقت تذکیه) نام غیر خدا بر

آن برده شده حرام کرده. اما کسی که ناچار (از خوردن آنها) شود در حالی که در اصل خواهان آن نبوده و از حد ضرورت هم

تجاوز ننموده باشد بر او گناهی نیست، که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است».

پس دین بر انسان سخت نگرفته تا انسان برای انجام ندادن امور شرعی یا ارتکاب کارهای مخالف دستورات اسلامی،

هیچ‌گونه عذر و دلیلی وجود نداشته باشد. اینکه با وجود توطئه داعش و تشیع انگلیسی و با وجود تبلیغات رسانه‌ای منفی

علیه اسلام، قرآن کریم پر فروش‌ترین کتاب‌های سال آمریکا و اروپا می‌شود به فطری بودن اسلام بر می‌گردد. اینکه رهبر

معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی نامه‌ای با عنوان «نامه‌ای برای تو»^۷ می‌نویسند و از آنان می‌خواهد بدون

هیچ پیش‌داوری یک دور قرآن را از اول تا آخر بخوانند تا از روی آگاهی با آن موافقت یا مخالفت کنند، به فطری بودن

قرآن و اسلام برمی‌گردد و بدانند که اسلام سخت‌گیر نیست بلکه به زندگی انسان راحتی می‌بخشد.

نمونه‌های از نرمش اسلام در برنامه دهی

نمونه‌های زیادی از آسانی احکام و برنامه‌های دین اسلام ذکر وجود دارد. مثلاً:

۱. دین اسلام نسبت به اهل کتاب (مسیحیان، یهودیان، زردشتیان، صابئین) نگرش خاصی دارد و نسبت به آنها بسیار

مدارا می‌کند. جان و مال و نوامیس آنها محترم است و می‌توانند در جامعه اسلامی، معابد و کلیساهای خود را داشته باشند و

۷. بقره، آیه ۱۸۵.

۸. حج، آیه ۷۸.

۹. بقره، آیه ۲۸۶.

۱۰. بقره، آیه ۱۷۳.



به عبادت بپردازند و ازدواج و طلاقشان را بر طبق احکام دین خود انجام دهند. تحمل و مدارای اسلام با اقلیت‌های مذهبی به حدی است که نه تنها دین آنها را محترم می‌شمارد، که آنان از همه حقوق شهروندی تحت حاکمیت اسلامی برخوردارند و اسلام، دفاع از آنان را همچون سایر مسلمانان، لازم می‌شمارد. در دوران حکومت حضرت امیر (ع) هنگامی که بخشی از لشکر معاویه به شهر مرزی «انبار» حمله کردند و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌های زنان آن‌جا را ربودند، فریاد امام علی (ع) بلند می‌شود و در دفاع از این زنان که برخی، مسلمان نبودند و در پناه حکومت اسلامی قرار داشتند، سپاهیان خود را مورد سرزنش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمَةً مَاتَتْ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٍ مُلُومًا بَلْ كَانَ بِهٍ عِنْدِي جَدِيرًا»^{۱۲}؛ اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.

۲. خداوند به رسولش دستور داده که اگر مشرکان برای شناخت دین به سوی تو آیند به آنها پناه بده: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»^{۱۳}؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهِش بده تا سخن خدا را بشنود». اسلام می‌گوید کسی که مشرک است و می‌خواهد حقیقت را پیدا کند، مهمان توسست، باید از او پذیرایی کنی، برایش هتل بگیری، محل اسکان فراهم کنی تا بتواند بفهمد. در ادامه آیه می‌گوید «ثُمَّ أبلغه ما منه»؛ آن گاه او را به جایگاه امنش برسان». برای آدمی که دنبال حقیقت آمده، باید بلیط برگشت هم بگیری تا به محل امنی که می‌خواهد برود. حالا اینجا به برخی کج‌فهمی‌ها تعریض بزنیم. خدایی که می‌گوید به مشرکان برای دریافت حرف دین پناه بده، با پذیرایی از مسلمانان دیگر کشورها برای شناخت و تبلیغ اسلام مخالف است؟ اینجاست که معلوم می‌شود هجمه رسانه‌ای به دانشگاه‌هایی مانند المصطفی که هزاران انسان را تربیت می‌کند تا حرف خدا را در عالم پخش کنند، بر خلاف حرف خدا و برخلاف فرهنگ مهمان‌نوازی مسلمانان است.

۳. هنگامی که دستور جهاد صادر می‌کند، آن هم در شرایط سختی که مسلمانان زمان پیامبر اکرم (ص) به سر می‌بردند، افرادی که توانایی مشارکت در جنگ را نداشتند استثنا می‌کند^{۱۴} و علت آن را برداشته شدن سختی و مشقت از روی دوش آنها می‌داند؛ یعنی چون جهاد برای آنها خیلی سخت و دشوار است پس این حکم الهی از آنها خواسته نمی‌شود^{۱۵}. همچنین

۱۲. سید رضی، محمد، نهج البلاغه، محقق و مصحح: عطاردی، عزیز الله، خطبه ۲۷، ص ۳۵، مؤسسه نهج البلاغه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

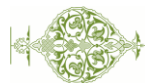
۱۳. توبه، سوره ۶.

۱۴. لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ؛ بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی

نیست [که در جهاد شرکت نکنند] (فتح، آیه ۱۷).

۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۶۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم ۱۴۱۷ ق.





در بیان احکام فردی، بر همین مبنا سیر نموده است. مثلاً در تشریع وضو و غسل که باید با آب انجام گیرد، مواردی را که آب ضرر دارد و یا دستیابی به آن مشقت دارد، استثنا کرده و روزه را نیز برای مسافران و کسانی که مریض هستند واجب نهمرده است^{۱۶}، و این برای آسان‌گیری و ایجاد شرایط آسان دین‌داری است.

۴. اگر مسلمانی قدرت و توانایی مالی و بدنی داشته باشد واجب است که در طول عمر یک بار حج را بجا آورد، اما اگر کسی این توانایی را نداشته باشد، حج بر او واجب نیست.

۵. خداوند در سال، روزه یک ماه قمری را بر مسلمان واجب نموده که به صورت چرخشی در فصول چهارگانه واقع می‌شود و در صورتی که فرد، مریض یا در سفر باشد می‌تواند از روزه گرفتن خودداری نماید. و تا رمضان آینده فرصت دارد که قضای آن را بجا آورد.

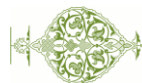
۶. خدا توبه هرکسی را که صادقانه از گناه باز گردد، از مخلوقات می‌پذیرد، اگر چه شخصی سال‌های متمادی در کفر و گناه و سرکشی، غوطه‌ور بوده باشد.

۷. یک کار نیکی که شخص مسلمان انجام دهد، پاداشش چند برابر می‌شود؛ همان‌طور که در قرآن کریم می‌خوانیم: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^{۱۷}؛ هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید و ستمی بر آنها نخواهد شد».

همچنین در روایات می‌بینیم که برای کارهایی مانند قرائت قرآن کریم، فرستادن صلوات، قرض دادن به دیگران و ... ثواب‌های بسیار زیادی قرار داده شده است.

البته آسان بودن اسلام به این معنا نیست که همه انسان با آن موافقت می‌کنند، چرا که شیطان و نفس اماره، دشمنان درونی و بیرونی ما، تماشایی نیستند و با اختیاری که خداوند به انسان‌ها داده است، برخی انسان‌ها حتی از بین مسلمان‌ها کج‌روی می‌کنند. پس اسلام با این که به دنبال آسان‌گیری است اما چک سفید امضا نیست. همچنین منظور از آسان‌گیری،

^{۱۶} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دست‌هایتان را تا ارنج بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید و اگر جنب‌اید خود را پاک کنید [غسل نمایید] و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید، و از آن به صورت و دستایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، بلکه می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس گزایید (مائده، آیه ۶).



زندگی آسان در دایره قوانین اسلام است و نه تنها اسلام، بلکه هیچ دین آسمانی سهل‌انگاری را در اجرای احکام الهی نمی‌پذیرد. حتی مکاتب غیرتوحیدی و الحادی مانند مجاهدین خلق که زائیده تفکر فروپاشیده کمونیسم است، مخالفان خود را با تصفیه سازمانی ادب می‌کرد و می‌کند. پس قانون‌گریزی در هیچ مکتبی پذیرفته نیست.

دلیل سخت بودن برخی از دستورات دین

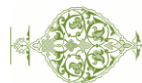
حالا سؤال اینجاست که دستورات سختی مانند روزه و جهاد که برای انسان دردسرساز است، چه نسبتی با دین آسان

اسلام دارد؟

پاسخ این است که:

۱. اگر این دستورات بر خلاف فطرت بود، قطعاً ناممکن می‌شد. مثلاً چنانکه مثال زدیم وقتی این تکالیف سختی به مرحله حرج برسد، از گردن انسان برداشته می‌شود.

۲. انسان موجودی است که نیازهای مادی و معنوی دارد. توجه صرف به نیازهای مادی مردود است، توجه صرف به معنویات هم مخالف سخن خداست. با این توضیح آسانی در زندگی به معنای برآورده شدن در دو بُعد زندگی است. به همین خاطر خدا در قرآن به ما یاد داده است که بگوییم: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^{۱۸}؛ پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگاه دار! اگر اسلام فقط به مادیات توجه کند، فطرت انسان نمی‌پذیرد، اگر فقط به معنویات توجه کند، باز هم فطرت نمی‌پذیرد، زیرا از طاقت انسان خارج است. احکام اسلام هر دو جنبه را در نظر می‌گیرد، لذا عمل به آن دلچسب است. امام صادق (ع) درباره روزه‌داران می‌فرماید: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ افْطَارِهِ وَ فَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ؛ روزه‌دار دو بار شادی دارد؛ یک بار به هنگام افطار و یک بار به هنگام لقای پروردگارش». اما کسی که روزه‌دار نیست، با فطرت خود در ستیز است که چرا باید روزه بگیرد! اصلاً هیچکس نباید روزه بگیرد تا این آدم عذاب وجدان نداشته باشد، یا با خود می‌گوید چرا روزه نگرفتی و مرتب خود را توبیخ و سرزنش می‌کند. چنین آدمی به خودش هم طلبکار می‌شود. اگر در حالت روانی روزه‌خواران دقت نمایید، شادی و خوشی نمی‌بینید. تظاهر به خوشی هست، اما رضایت از خویشتن که نقطه مرکزی نشاط حقیقی است دیده نمی‌شود. روزه‌خواران همیشه عصبانی و از خود و دیگران طلبکارند! خلاصه اینکه تحمل گرسنگی همراه با رضایت و نشاط معنوی، برتر و بهتر از سیری همراه با نارضایتی، خودخوری و افسردگی معنوی است.



۳. عموم دستورات اسلام دائمی است و برخی مقطعی. آنچه مانند روزه یا جهاد موقت و مقطعی است، به خاطر شرایطی بر گردن انسان می‌آید که آن شرایط و موقعیت ذاتاً سخت است. مثلاً دفاع از کشور که چاره‌ای جز جنگ نظامی باقی نمی‌گذارد. البته اسلام در همین مسأله دفاع هم، در موضوعات مختلف نرمش نشان داده؛ در مدارا با اسیران، رفع تکلیف از زنان و کودکان و پیران و بیماران، مخالفت با نسل‌کشی، مخالفت با شیبخون زدن و خنجر از پشت زدن، مخالفت با ترور ناجوانمردانه یا همان فتک، مدارا با دشمن در هنگام محاصره آنان و ... یا در مسأله قصاص، با اینکه ضامن بقای حیات و رفع جرم است، اما با بخشش و گذشت مخالفت نکرده و همچنین در بسیاری از مسائل دیگر ...

۴. انسان به دنبال کمال و رستگاری است و پایان زندگی دنیوی او بازگشت به سوی خداست.^{۱۹} اسلام و احکام آن هم به دنبال رساندن انسان به مقصد نهایی، یعنی خداست.^{۲۰} امام علی(ع) درباره اهمیت احکام و قوانین الهی خطاب به مالک اشتر فرمود: «این فرمان بنده خدا علی، امیر مؤمنان به مالک اشتر، پسر حارث است ... او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد، و این که اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و مستحبات را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد شد، و جز با نشاختن و ضایع کردن آن جنایت کار نخواهد گردید. به او فرمان می‌دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند؛ زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را یاری دهد، و بزرگ دارد آن کس را که او را بزرگ شمارد». حال آسانی زندگی در گرو گام برداشتن در مسیر کمال است. همچنین اسلام دینی فردی نیست، جنبه‌های اجتماعی این دین به دنبال راحتی همه افراد جامعه است، احکام اجتماعی شاید عده‌ای را به سختی اندازد، اما جامعه را از سختی نجات می‌دهد. در این بین، اگر افراد یا گروه‌هایی قوانین الهی را که مایه حیات انسان‌ها در تمام زمینه‌ها است، زیر پا بگذارند و بدین وسیله، فرهنگ و اخلاق اسلامی را تهدید کنند، اسلام هرگز سهل‌گیری و آسانی را در این صورت نمی‌پذیرد و آن را نوعی سهل انگاری و سستی در دین می‌داند و حتی قوانین سختی برای برخی متخلفان از حدود الهی، وضع نموده است.

۵. برخی ادیان یا مذاهب در برابر اسلام مدعی آسان‌گیری هستند. اما اولاً آیا مطابق فطرتند؟ ثانیاً اگر بیمار شویم، سراغ پزشکی می‌رویم که بسیار آسان می‌گیرد، داروی مسکن می‌دهد، اما نسخه‌اش درمانگر نیست؛ یا به پزشکی مراجعه می‌کنیم که پادزهر دارد - اگرچه تلخ - و نسخه درمانی تضمینی می‌دهد؟

پس همانطور که آسان گرفتن یا سخت‌گیری یک پزشک، ملاک برتری نیست، بهترین راه برای ترجیح یک دین بر



دینی دیگر، سنجش اعتبار آن است. باید ببینیم کدام دین معتبرتر است. در کدام دین تحریف کمتری صورت گرفته. اگر متوجه شدیم زمان یک شریعت، سپری شده، نشانه بی اعتباری آن است و در این صورت هردستوری بدهد - چه آسان و چه سخت - معتبر نخواهد بود.

مثالی دیگر: اگر برای حل یک موضوع به روانشناس نیاز پیدا کنیم، باید سراغ کسی برویم که بگوید هر طور که راحتی! هرچه دلت می خواهد انجام بده!؟ یا سراغ کسی می رویم که با توجه به شرح حال، وضعیت روحی، سابقه بیماری، نیازهای سنی و روانشناختی و دیگر ملاک های مؤثر مشاوره می دهد؟ قطعاً سراغ دومی می رویم و اگر بنا بود به تشخیص و دلخواه خود عمل کنیم، اصلاً چه نیازی به روانشناس داشتیم؟

دعای پایانی (پیشنهادی)

خدایا ما ظرفیت را در سختی ها، تکالیف و آزمایش های پیروز کن! پروردگارا به برکت این ماه، از خطاهایی که فطرت ما را غبارآلود کردند بگذر! خدایا دل های ما با حقایق اسلام آشنا کن! خدا توفیق فهم قرآن به ما عنایت کن! بارالها، رهبر حسینی ما را در سایه قرآن موفق بدار! به برکت ماه نزول قرآن، در فرج مهدی فاطمه (ع) تعجیل کن! بالنبی و آله رحم الله من قرأ الفاتحه ...

